



جمال شورشه (فیلمساز) | عبدالله صمدی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طافی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | جهانگیر اماسی (بازیگر) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی کیا (فیلمساز) | سلحشور (فیلمساز) | علی نصیریان (بازیگر) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | جواد اردکانی (فیلمساز)

نگاهی به فیلم «۳۰۰: خیزش یک امپراطوری»

عقده حقارت هالیوود در مقابل ایران

آرش فهیم



هر فیلمی نشان می‌دهد که درون سازندگان آن فیلم چه می‌گذرد. سینما، هنرا صنعت/رسانه‌ای است که باطن افراد، گروه ها و جوامع را برملا می‌کند. اهمیت سینما، در همین خاصیت افشاجاری آن است. بدون تردید، یکی از روش‌های مردم روزگاران و قرون آینده برای شناخت انسان‌های امروز، مطالعه و بررسی آثار سینمایی خواهد بود. به طور مثال، آیندگان با تماشای خیلی آثار سینمایی امروز اروپا و آمریکا، به وجود اصلی به نام «ژادپرستی» و نفرت نسبت به اقوام و ملل دیگر نزد غربی‌ها پی خواهند برد. شاید برای انسان‌هایی که تجربه زندگی در قرون آینده را خواهند داشت، مسائلی همچون ژادپرستی یک



کمبر، بر سپاه انبوه و قدرتمند ایران غلبه می‌کنند! از تحریفات تاریخی اتفاق افتاده در فیلم می‌توان به مرگ داریوش اشاره کرد که در این فیلم به شکلی برخلاف واقعیات تاریخی اتفاق می‌افتد. تحریف دیگر، تشبیه ایرانیان به گروه‌هایی همچون «ژادپرستی»، یعنی پوشش و ظاهر ایرانی‌ها را همانند گروه‌های تروریستی به تصویر درآورد. اند

نوع افسانه باور نکردنی باشد؛ به امید آن روز.
فیلم «۳۰۰: خیزش یک امپراطوری» (قسمت جدید فیلم ضدایرانی «۳۰۰») نمونه تمام عیار تبلیغ تنفر نژادی توسط سینمای غرب است. البته این نوع فیلم‌ها در مغرب زمین به خصوص در آمریکا زیاد یافت می‌شود. فقط کافی است تعداد آثاری که با مضمون «تنفر علیه ایرانیان» ساخته شده است را بشماریم؛ مثل «بدون دختر هرگز»، «دلنا فورث»، «اسکندر»، «۳۰۰: پرسپولیس»، «کشتی گیر»، «سنگسار تریا»، «شاهزاده ایرانی»، «شرایط»، «ورشلیم»، «سنتون ماکوس»، «سنتون پنجم»، «آرگو»، و اخیرا هم فیلم‌هایی مثل «طبیعی»، «پلین آهنی»، «گلاب» و ... این ماجرا همچنان ادامه دارد و خواهد داشت.

در بخشی از فیلم، وقتی یونانی‌ها از برنامه‌ریزی ایران برای حمله آگاه می‌شوند، در مجلس سنا به مشورت و بحث درباره روش مقابله با ایران می‌پردازند. در این مباحث عده‌ای بر «مذاکره» تأکید می‌کنند اما در نهایت افراد مؤثر، سنا را به این نتیجه می‌رسانند که مذاکره با ایران هیچ فایده‌ای ندارد و برای جلوگیری از پیروی ایران فقط باید با آن‌ها جنگید!

برای تحلیل فیلم «۳۰۰: خیزش یک امپراطوری» باید آن را به عنوان قطعه‌ای از پازل فیلم‌های ضدایرانی سال‌های اخیر آمریکا شناخت. این فیلم‌ها به دو بخش قابل تقسیم هستند. برخی مانند «آرگو» و «ورشلیم»، شمارش شمشیر ماکوس»، «سنتون پنجم»، «آرگو»، و اخیرا هم فیلم‌هایی مثل «طبیعی»، «پلین آهنی»، «گلاب» و ... این ماجرا همچنان ادامه دارد و خواهد داشت.

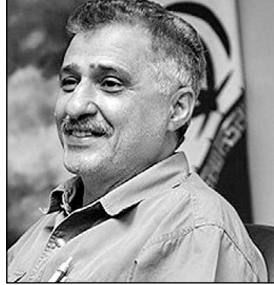
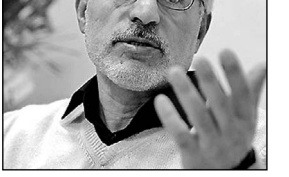
آنچه قسمت دوم «۳۰۰» را نسبت به قسمت اول آن متمایز کرده است، کارگردان این فیلم است: «نوام مورو». فیلمساز اسرائیلی، کارگردانی قسمت دوم فیلم «۳۰۰» را انجام داده است؛ با همان حال و هوا و جذابیت و تحریف‌های تاریخی قسمت اول، با این تفاوت که در این فیلم، شعارها و مسائل سیاسی روز هم به شکلی سطحی و گل‌درشت مطرح می‌شود.
داستان این فیلم، برخلاف آنچه برخی منابع نوشته‌اند، در ادامه قسمت قبلی نیست، بلکه نسخه جدیدی است. پس اگر مرگ داریوش نامی در فیلم نبرد مقابل یونانی‌ها، خشایارشا یا کمک یک زن با اصالت یونانی که در دربار ایران بزرگ شده بود، در تیرگی‌های فیلم دیده می‌شود، بی در پی میان سینمای ایران و ارتش یونان واقع می‌شود و در پایان یونانیان با وجود تعداد

ورشکستگی سینماهای فرانسه و ایتالیا

سینمای کشورهای ایتالیا و فرانسه دچار ورشکستگی اقتصادی شدند.
به گزارش خبرگزاری میزان، پایگاه فرانسوی زبان «جالنج» در این باره نوشت: استقبال از فیلم‌های تولید فرانسه نیز در سال گذشته میلادی به میزان هفت درصد کاهش داشت که نسبت به سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۲۳/۳ درصد کاهش را به خود دیده است. این شیب نزولی در نیمه اول سال جاری میلادی همچنان ادامه داشته است و مخاطبان چندین راقب به دنبال کردن سینما ندیده‌اند. کارشناسان معتقدند که این میزان کاهش استقبال از سینمای فرانسه طی ۱۰ سال گذشته سابقه نداشته است.
نشریه فرانسوی زبان «فوکوس» هم نوشت: ژان گیلی نویسنده، منتقد سینما و بر گزار کننده جشنواره فیلم انسی-مشکل مالی و نبود سیناسنر دارای پشتوانه مالی قوی را یکی از مشکلات عمده سینمای ایتالیا در شرایط کنونی می‌داند. وی افزود، در اوضاع نه چندان مساعد سینمای ایتالیا، شماری از سینماگران ایتالیا نیز به طرق مختلف مانع تولید و ساخت فیلم‌های باکیفیت هستند، این گروه اتکا به سینمای ایتالیا را بپهوده می‌دانند.

نگاهی به عملکرد یک ساله حجت الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی

مدیریت سینمایی بر مدار بیم و امید



بیش از یک سال از مدیریت سینمایی دولت یازدهم گذشت. حدود یک سال قبل بود که حجت الله ایوبی جایگزین جواد شفقدری شد و سکان هدایت سازمان سینمایی را بر عهده گرفت. عده ای از اهالی سینما، نسبت به این جایجایی چندان خوش بین نبودند و می‌گفتند، مشکل سینما با جایجا شدن مدیران بهبود نمی یابد و مشکل اصلی سینمای ایران، فقدان راهبرد مشخص و معلوم است. ضمن اینکه رئیس جدید سازمان، حجت الله ایوبی به رغم سابقه مدیریت فرهنگی اما، تخصص چندانی در زمینه سینما ندارد و شاید این مسئله برای او مشکلاتی را به وجود آورد. به هر حال، این مدیر، سازمان سینمایی را بر عهده گرفت و اکنون بیش از یک سال از فعالیت او می‌گذرد. برای ارزیابی بهتر کارنامه یک ساله مدیریت سازمان سینمایی دولت یازدهم، نظر دو تن از سینماگران را جویا شدیم. هنرمندانی که دارای کسوتی طولانی هستند و البته نظری متفاوت درباره عملکرد ایوبی دارند.

ساله که نکوست، از بهارش پیداست؟
سیدناصر هاشم زاده، فیلمنامه نویس و مدرس دانشگاه درباره عملکرد یک ساله مدیریت سینمایی دولت یازدهم به خبرنگار کیهان گفت: آنچه در این یک سال گذشته، ادامه اتفاقات چهار سال قبل بوده است. هنوز توسط مدیریت سازمان سینمایی کار خاصی انجام نشده که بتوان درباره آن نظر دقیقی داد. حتی فیلم‌هایی هم که در این یک سال به نمایش درآمده‌اند، عمدتاً محصول مدیریت قبلی بوده‌اند. نویسنده فیلمنامه «بید مجنون» درباره وعده‌های رئیس سازمان سینمایی اظهار داشت: همه مدیران وقتی روی کار می‌آیند حرف‌های خوب و خوشایندی می‌زنند، اما باید دید تا چه حد، به حرف‌های

پیداست! یا این انحصارطلبی‌های حاکم بر سینما، باید گفت، از این بهار، بوی امیدی به مشام نمی‌رسد!
ساخت فیلم‌های فرهنگی دشوار شده است
مجتبی راعی، کارگردان سینما نیز در گفت و گو با کیهان گفت: به نظر آقای شفقدری و دوستانش در مدیریت سابق سازمان سینمایی به قدری بد عمل کردند که پس از ایشان هر کسی مدیریت سازمان سینمایی را بر عهده می‌گرفت، همه خدا را شکر می‌کردند! حجت الله ایوبی از این نظر شانس آورده که در این شرایط به مدیریت رسیده است و نمره قبولی می‌گیرد. وی درباره اموری که لازم است از سوی سازمان سینمایی در اولویت

سیدناصر هاشم زاده: باید از مدیریت سینمایی پرسید، شما که داعیه دار اعتدال و تدبیر و امید هستید، چرا طوری عمل می‌کنید که موجب نوسیدی می‌شود؟
خودشان عمل می‌کنند.
وی تصریح کرد: باید از مدیریت سازمان سینمایی پرسید، چرا تا این حد انحصاری عمل می‌کنند؟ امروز می‌بینیم که فقط عده خاصی که بی منافعی هستند، دور و بر مدیران را گرفته‌اند و کسانی که دنبال منافع نیستند، در حال حذف شدن از عرصه سینمای کشور هستند. نمونه‌اش هم همین جشن‌هایی است که در روزهای اخیر برگزار شدند. باید به مدیران سینمایی گفت که این جشن‌ها مال همه اهالی سینمای ایران هستند و نه افراد و طیف‌های خاصی.
هاشم زاده ادامه داد: اگر قصدمان دست یافتن به سینمای خوب است، این راهش نیست! باید معقول تر عمل کرد. باید از مدیریت سینمایی پرسید، شما که داعیه دار اعتدال و تدبیر و امید هستید، چرا طوری عمل می‌کنید که موجب نوسیدی می‌شود؟
نویسنده «سیب و سلما» تأکید کرد: سالی که نکوست از بهارش

خودشان عمل می‌کنند.
وی تصریح کرد: باید از مدیریت سازمان سینمایی پرسید، چرا تا این حد انحصاری عمل می‌کنند؟ امروز می‌بینیم که فقط عده خاصی که بی منافعی هستند، دور و بر مدیران را گرفته‌اند و کسانی که دنبال منافع نیستند، در حال حذف شدن از عرصه سینمای کشور هستند. نمونه‌اش هم همین جشن‌هایی است که در روزهای اخیر برگزار شدند. باید به مدیران سینمایی گفت که این جشن‌ها مال همه اهالی سینمای ایران هستند و نه افراد و طیف‌های خاصی.

نگاهی به فیلم سینمایی «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران»

حکایت یک دورهمی از دست رفته!



فرهمندی و فرحت داشته باشند، رقت انگیز و ترحم آمیز است.
دام درام برای این شخصیت‌های جعلی و مقولایی، بی‌فایده است. نه گرهی می‌افتد و نه گرهی می‌شکاید.
عطفی: نه بازفاهی از هویتی و بی حرکت بر مدار درستی. همه چیز به یک تابلوی شتابزده و نیمه‌کاره می‌ماند که با کلی رنگ و لعاب، تزئین شده است.
به همین دلیل هم هست که با مخاطب خاص سینما درگیر می‌شود و نه برای عموم مردم چیزی به ارغمان می‌آورد.
و این همه شاید علاوه

فرهمندی و فرحت داشته باشند، رقت انگیز و ترحم آمیز است.
دام درام برای این شخصیت‌های جعلی و مقولایی، بی‌فایده است. نه گرهی می‌افتد و نه گرهی می‌شکاید.
عطفی: نه بازفاهی از هویتی و بی حرکت بر مدار درستی. همه چیز به یک تابلوی شتابزده و نیمه‌کاره می‌ماند که با کلی رنگ و لعاب، تزئین شده است.
به همین دلیل هم هست که با مخاطب خاص سینما درگیر می‌شود و نه برای عموم مردم چیزی به ارغمان می‌آورد.
و این همه شاید علاوه

فرهمندی و فرحت داشته باشند، رقت انگیز و ترحم آمیز است.
دام درام برای این شخصیت‌های جعلی و مقولایی، بی‌فایده است. نه گرهی می‌افتد و نه گرهی می‌شکاید.
عطفی: نه بازفاهی از هویتی و بی حرکت بر مدار درستی. همه چیز به یک تابلوی شتابزده و نیمه‌کاره می‌ماند که با کلی رنگ و لعاب، تزئین شده است.
به همین دلیل هم هست که با مخاطب خاص سینما درگیر می‌شود و نه برای عموم مردم چیزی به ارغمان می‌آورد.
و این همه شاید علاوه

امواج تخریبی روی جمعیت ایران

«فرزندهراسی» تاکتیک جدید شبکه‌های ماهواره‌ای!



کاهش جمعیت ایران در چندین سال گذشته و نزول نرخ باروری ایرانی‌ها به ۱٫۷ سبب شده تا بسیاری از صاحب‌نظران توجهشان به این سو جلب شود. در این میان به نظر می‌رسد که علاوه بر برخی رویکردها و تصمیم‌گیری‌ها عوامل روانی بیرونی هم در رخ دادن کاهش نرخ تاثیر داشته‌اند. به شکلی که امروز در جامعه ایران شاهد نوعی تغییر فکری- رفتاری در برخی اقشار نسبت به نهاد خانواده و فرزندآوری هستیم. این در حالی است که از منظر رسانه‌ای، رسانه‌ها به شدت توانایی هدایت افکار عمومی و در نتیجه تاثیر گذاری در رفتار جامعه را دارند. نگاهی به رفتارها و سیاست‌های برخی رسانه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای حاکی از آن است که این رسانه‌ها درباره گسترش تفکر کاهش جمعیت و تغییر ذائقه جامعه ایرانی به سوی عدم باروری به طور جدی درحال فعالیت هستند. آن‌چنان که آنها به صورت هدفمند با استفاده از تکنیک‌های خاص روانی- رسانه‌ای به دنبال القای مسائل خاصی در این باره بوده‌اند! تلاش برای تاثیر بر سبک زندگی سبیل سماوات کارشناس رسانه‌ای در این باره خاطرنشان می‌کند: یکی از مهم‌ترین ترندهای رسانه‌های غربی بهره‌گیری از تاکتیک پرچسب‌زنی است. به این صورت که هرکدام از این رسانه‌ها برنامه‌های مشاوره‌ای خاصی دارند. برنامه‌هایی که به تعبیر این رسانه‌ها در آن یک روانشناس و یا کارشناسان به خانواده ایرانی پیشنهادهایی برای سبک زندگی می‌دهد.

این مدرس دانشگاه می‌گوید: در این برنامه‌ها در برخی موارد به شدت به زنانی که به فرزندآوری و دانشتن بچه و نگهداری از آن علاقه دارند پرچسب زده می‌شود. آن‌چنان که کارشناس این برنامه‌ها دائماً به این افراد عناوینی همچون عقب‌مانده، متحجر و ... نسبت می‌دهد. در این میان به نظر می‌رسد که این رسانه‌ها

کاهش جمعیت ایران در چندین سال گذشته و نزول نرخ باروری ایرانی‌ها به ۱٫۷ سبب شده تا بسیاری از صاحب‌نظران توجهشان به این سو جلب شود. در این میان به نظر می‌رسد که علاوه بر برخی رویکردها و تصمیم‌گیری‌ها عوامل روانی بیرونی هم در رخ دادن کاهش نرخ تاثیر داشته‌اند. به شکلی که امروز در جامعه ایران شاهد نوعی تغییر فکری- رفتاری در برخی اقشار نسبت به نهاد خانواده و فرزندآوری هستیم. این در حالی است که از منظر رسانه‌ای، رسانه‌ها به شدت توانایی هدایت افکار عمومی و در نتیجه تاثیر گذاری در رفتار جامعه را دارند. نگاهی به رفتارها و سیاست‌های برخی رسانه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای حاکی از آن است که این رسانه‌ها درباره گسترش تفکر کاهش جمعیت و تغییر ذائقه جامعه ایرانی به سوی عدم باروری به طور جدی درحال فعالیت هستند. آن‌چنان که آنها به صورت هدفمند با استفاده از تکنیک‌های خاص روانی- رسانه‌ای به دنبال القای مسائل خاصی در این باره بوده‌اند! تلاش برای تاثیر بر سبک زندگی سبیل سماوات کارشناس رسانه‌ای در این باره خاطرنشان می‌کند: یکی از مهم‌ترین ترندهای رسانه‌های غربی بهره‌گیری از تاکتیک پرچسب‌زنی است. به این صورت که هرکدام از این رسانه‌ها برنامه‌های مشاوره‌ای خاصی دارند. برنامه‌هایی که به تعبیر این رسانه‌ها در آن یک روانشناس و یا کارشناسان به خانواده ایرانی پیشنهادهایی برای سبک زندگی می‌دهد.

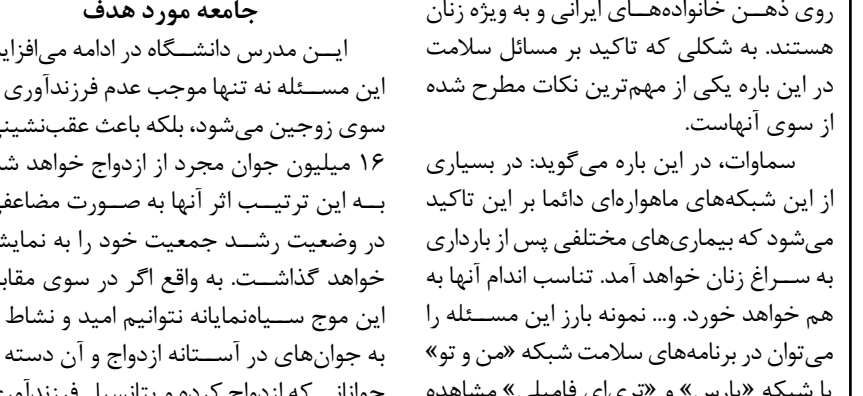
این مدرس دانشگاه می‌گوید: در این برنامه‌ها در برخی موارد به شدت به زنانی که به فرزندآوری و دانشتن بچه و نگهداری از آن علاقه دارند پرچسب زده می‌شود. آن‌چنان که کارشناس این برنامه‌ها دائماً به این افراد عناوینی همچون عقب‌مانده، متحجر و ... نسبت می‌دهد. در این میان به نظر می‌رسد که این رسانه‌ها

این مدرس دانشگاه می‌گوید: در این برنامه‌ها در برخی موارد به شدت به زنانی که به فرزندآوری و دانشتن بچه و نگهداری از آن علاقه دارند پرچسب زده می‌شود. آن‌چنان که کارشناس این برنامه‌ها دائماً به این افراد عناوینی همچون عقب‌مانده، متحجر و ... نسبت می‌دهد. در این میان به نظر می‌رسد که این رسانه‌ها

این مدرس دانشگاه می‌گوید: در این برنامه‌ها در برخی موارد به شدت به زنانی که به فرزندآوری و دانشتن بچه و نگهداری از آن علاقه دارند پرچسب زده می‌شود. آن‌چنان که کارشناس این برنامه‌ها دائماً به این افراد عناوینی همچون عقب‌مانده، متحجر و ... نسبت می‌دهد. در این میان به نظر می‌رسد که این رسانه‌ها

این مدرس دانشگاه می‌گوید: در این برنامه‌ها در برخی موارد به شدت به زنانی که به فرزندآوری و دانشتن بچه و نگهداری از آن علاقه دارند پرچسب زده می‌شود. آن‌چنان که کارشناس این برنامه‌ها دائماً به این افراد عناوینی همچون عقب‌مانده، متحجر و ... نسبت می‌دهد. در این میان به نظر می‌رسد که این رسانه‌ها

این مدرس دانشگاه می‌گوید: در این برنامه‌ها در برخی موارد به شدت به زنانی که به فرزندآوری و دانشتن بچه و نگهداری از آن علاقه دارند پرچسب زده می‌شود. آن‌چنان که کارشناس این برنامه‌ها دائماً به این افراد عناوینی همچون عقب‌مانده، متحجر و ... نسبت می‌دهد. در این میان به نظر می‌رسد که این رسانه‌ها



مجردها و تازه متاهل‌ها جامعه مورد هدف

این مدرس دانشگاه می‌گوید: در این برنامه‌ها در برخی موارد به شدت به زنانی که به فرزندآوری و دانشتن بچه و نگهداری از آن علاقه دارند پرچسب زده می‌شود. آن‌چنان که کارشناس این برنامه‌ها دائماً به این افراد عناوینی همچون عقب‌مانده، متحجر و ... نسبت می‌دهد. در این میان به نظر می‌رسد که این رسانه‌ها